

## سیاست متعالیه از منظر غایبان همایش

# آیا ممکن است؟

تلاش برای ده ست یافتن به فلسفه سیاسی تازه‌ای که آپشن خوری جز میانی رایج اندیشه سیاسی اسلامی و ایرانی داشته باشند تنها با برگزاری چند همایش و سمینار و گردهمایی‌ها سرگشته در این میان، اگر اندیشمندان داعیه بدینی در زمینه‌های خاصی داشته باشند با حضور آرای‌های فراوانی برای اثبات دیدگاه خود رویه‌رو خواهند بود البته پویایی فرایند تفکر همواره در گرو موع‌سناری و برگزشتن از موانع است.

از سوی دیگر، نفس برگزاری چنین همایش‌هایی طرح پرسش و ایجاد فضای برای بحث و محک‌موضوعات مناقشه‌برانگیز است اما در میهن سخنرانی همایش سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، سخنرانی یافت نمی‌شد که فاطمه با موضوع همایش مخالف باشد و دعوی تازه‌ای بر خلاف دیگران قلمه کند ما در این اقتراح تلاش کردیم تا ضمن انعکاس چکیده‌ای از اظهارات سخنرانان همایش که در بخش پیش خوانندیده دیدگاه‌های دیگری را هم در قالب اقتراح به دیگر صاحب‌نظران این حوزه احتساب کنیم.

## رجعت به ریشه‌ها

موسی زحیفی

از حکمت متعالیه می‌توان سیاست متعالیه بیرون آورد در همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» همین بحث مطرح شده است تاکنون کتاب‌هایی هم در این زمینه منتشر شده‌اند که مستقیماً به همین پرسش اشاره دارند که «آیا می‌توان از حکمت متعالیه به سیاست متعالیه رسید؟». آیت‌الله املسی در آغاز همان همایش از برخی زوایا به این موضوع پرداختند ایشان گفتند که ما فقه جواهری داریم که در واقع ماده خاصی شد برای قانون اساسی جمهوری اسلامی این منبع



بسیار مهمی در تنظیم قانون است یعنی برای تبدیل فقه به قانون، بسیار مفید واقع شد. آیت‌الله املسی با ذکر این نمونه قصد داشتند که ظرفیت‌های بحث و نشان دهند به زعم ایشان، حکمت متعالی ظرفیت و مساع فراوانی برای استخراج سیاست متعالی دارد که می‌تواند مفید باشد اما به مادگی به دست نمی‌آید. استخراج سیاست متعالیه از حکمت متعالیه، نیازمند کار تخصصی و تحقیق فراوان است تا بتوان میان این دو بحث نسبت درستی برقرار کرد در غربی‌ها هم با فلسفه خود همین کار را کردند آنها هم معتقد بودند که حتماً نیازی نیست که یک فیلسوف فلسفه سیاسی داشته باشد تا بتوان از او بحث کرد بلکه اندیشمندان غربی، برخی اصول را از آنها گرفتند و

نویسندگان به فقدان کدبشه و فلسفه سیاسی در اندر صدر و حکمت متعالیه حکم می‌کنند اما از سوی دیگر به پیشتر اظهار نظرها در باره وجود سیاسی حکمت متعالیه فاقد کمترین استناد و مراجعه به آثار صغری شیرازی و در نتیجه غیر قابل اعتناست. نقد دیگر او متوجه به شارحان ملاصدرا بود ما در این باره گفت: چه نظر می‌رسد شارحان و مفسران حکمت متعالیه هم به دلایلی کمتر به مباحث سیاسی توجه داشته و بیشتر به شرح و بسط متن پرداخته‌اند مهم‌ترین آنکه هیچ کدام از آثار صدرالندین شیرازی هم تاکنون از منظر فلسفه سیاسی مورد تحلیل قرار نگرفته است. بر این مجموعه باید توضیقات مرسوم جامعه و نظام‌های سلطنتی بر اصحاب دانش و معرفت‌پرا هم افزود که در اثر آن، مجال برای طرح مباحث فلسفه سیاسی به وجود نیامده است در نهایت اظهار نظر درباره فلسفه سیاسی متعالیه همراه با حب و بغض و نفرت و شیفته‌گی بوده است.

و استنباط احکام در اختصار همایش سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه نیز حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مپانی با بیان اینکه حکمت متعالیه نقش چندجمله‌ای در فقه سیاسی ایفا می‌کند، خاطر نشان کرد «هسترسازی یکی از نقش‌هایی است که حکمت متعالیه برای فقه سیاسی ایفا می‌کند و اگر این سبزه توسط حکمت متعالیه ایجاد نشود، کیان فقه سیاسی و استنباط احکام شکل نمی‌گیرد». وی تصریح کرد «حکمت متعالیه به فهم عمیق و ژرف‌اندیش مسائل توسط فقیه سیاسی کمک فراوانی می‌کند» مبنی‌بالتلوه به اینکه حکمت متعالیه یک نقش منظومه‌ای نسبت به مسائل ایفا می‌کند افزود: «جزای تشکیل دهنده مسائل در حکمت متعالیه نسبت به هم نقش تکاملی دارند و از یکدیگر جدا نیستند».

تکمله‌ای بر همایش همسازان تفکیک حکمت متعالیه از فلسفه ملاصدرا عجیب‌ترین نکته همایش بوده به عزت دیگر شرکت کنندگان در این همایش، هر گاه می‌خواستند صدرالمتفهمین را مورد اشاره قرار دهند از حکمت صغری نام می‌بردند و هر گاه در صدد تبیین کلی این حکمت با توجه به ملاصدرا و حکیمان معاصر بودند از حکمت متعالیه نام می‌بردند و بدین ترتیب زمینه گذار از صدرار فراهم آوردند گذاری که البته با نقدهای جدی‌ای نیز رویه‌رو است. چه منتقدان سیاست صغری (نظیر داوود فیرخی در دانشگاه تهران و سیدصادق حقیقت در دانشگاه مفید) مجال برای طرح آرای نقادانه خود نداشتند و تمام مقاله‌ها و سخنرانی‌ها در جهت اثبات و امکان سیاست متعالیه طرح‌ریزی شده بود به این ترتیب همایشی که از سال ۱۳۸۴ برپا می‌شد و پیگیری شده بود بدین سان پایان پذیرفته همایشی که در صدد بود با هدف تبیین ظرفیت‌های فلسفه متعالیه برای ورود به حوزه حیات اجتماعی و سیاسی و معرفی توانمندی فلسفه اسلامی در حوزه سیاست و راهکارهایی جهت پیوند زدن فلسفه ملاصدرا با آنچه امروز در حوزه اصول‌گرایی و اسلام‌گرایی جریان دارد ارائه دهد اما به نظر می‌رسد این گونه کارها پیش از آنکه به «اندیشه سیاسی» منجر شود، به «ایدئولوژی» بال و پر دهد.

شرح و بسط دادند تا به فلسفه سیاسی مور منظر خود رسیدند؛ پنی باید شمار حین آن بحث‌های مورد نظر را امتداد دهند تا به نتیجه مطلوب برسند. اگر بخواهیم مثالی بزنیم، می‌توانیم به «روح القوانین» مونتسکیو اشاره کنیم. می‌گویند که این کتاب متبع اندیشه «دموکراسی» نیست، اما شما می‌توانید مستقیماً بحثی در این ارتباط در کتاب «روح القوانین» پیدا کنید؟

پا این حال، شک نداریم که ریشه‌های این اندیشه در آن کتاب هست. اما تا مباحث آن کتاب به مرحله‌ای برسد که بشود از آن فلسفه مذکور را پانته‌نماز بوده تا اندیشمندان بسیاری روی آن بحث کنند و آن را شرح دهند. به این ترتیب باید گفت که قطعاً در این کتاب اندیشه دموکراسی وجود داشته که شار حین و اندیشمندان بحث‌های آن را تکمیل کرده‌اند. فلسفه صدرایی هم از آنجا که نقل، عقل، مشاء و عرفان را به هم پیوند می‌دهد، ظرفیت‌های بسیاری برای استخراج سیاست منطقیه دارد. پس می‌توانیم من این بحث امتناع عقلی نداریم و می‌توانیم بگوییم که این ظرفیت و قابلیت در فلسفه و اندیشه ملاصدرا هست. اگر به بحث حکمت عملی و نظری بپردازیم، موضوع گسترده‌تر هم می‌شود زیرا که فلسفه غربی و یونانی معمولاً تابع حکمت نظری است. اما مسلمانان نیاز نداشتند که به حکمت نظری اتکا کنند.

آنها نمی‌توانند در حکمت عملی و یونانی‌ها باشند زیرا قالب فلسفه یونانی را گرفته‌اند و محتوای خود را که همان شریعت است، در آن جای داده‌اند یعنی محتوا را از شریعت گرفته‌اند و فلسفه یونانی را تنها از لحاظ شکلی پذیرفته‌اند. نکته آخر اینکه حکمت منطقیه مفاهیم و موضوعاتی دارد که می‌تواند از درون به حد یابد. منظورم برخی از اجزای حکمت نظری، همانند «حرکت جوهری» است که در واقع می‌توان با پارتاب‌های این مفاهیم، ماهه‌های آنها را در سیاست هم یافت.

به‌دانشی زیادی داریم مثل نصیحت کردن درباره پر خوری و ضررهای که برای انسان دارد اما اینها با پزشکی امروز تفاوت بسیاری دارند و نمی‌تواند پاسخگوئی نیاز ما به علم پزشکی باشند. شما می‌دانید که اجزای بدن انسان ممکن است که در اثر بیماری با هزار مشکل مواجه شود اما هیچ کدام از این بیماری‌ها و مشکلات را نمی‌توان با این کلی‌گویی‌های مطالب به‌دانشی گذشته رفع کرد زندگی امروز پیچیده‌تر شده است. آیا به نظر شما ممکن است که بتوانیم با بحث‌های قدیمی پزشکی مشکلات و بیماری‌های امروز خود را درمان کنیم؟ پاسخ روشن است. حالا اگر بخواهیم بحث کنیم که این مسائل به‌دانشی پاسخگوئی ما هستند یا نه، آیا سوئمنده واقع خواهد شد؟ شما بگویید. اگر کسی از درد معده یا کلیه در عذاب باشد آیا برای درمان مثلاً به کتاب «قانون» ابن سینا مراجعه می‌کند یا نزد پزشک رفته و عکسبرداری و جراحی می‌کند؟ کدام بهتر است و کدام برای زندگی امروز مناسب‌تر به نظر می‌رسد؟

در فلسفه ما هم وضع همین است. در بحث از فلسفه سیاست باید به مسائل و مشکلات امروز مردم توجه کرد. اگر بخواهیم درباره سیاست در دنیا امروز حرف بزنیم، باید به مسائل امروز هم بپردازیم و موضوعاتی چون کنترل قدرت، مشارکت مردم، آزادی و حقوق اساسی مردم را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و بعد بازگردیم به ارسطو. این سینا، ملاصدرا و دیگران بینیم که در اندیشه‌های آنها چه بحثی در ارتباط با زندگی امروز ما هست؟

## علم اجتماعی صدرا

ابوالفضل کیاشمشکی

نظام فلسفی صدرالمآلهین برای زایش مجموعه‌ای از طرح‌ها و نظریه‌هایی که امروزه می‌توانند در قلمرو علوم اجتماعی استفاده شوند و به مثابه رهاورد‌های علمی به کار روند، هم‌اکنون نیست. بحث‌هایی که می‌توان آنها را در هر صده علوم اجتماعی وارد کرد و در خصوص ویژگی‌های زندگی اجتماعی و تحول حیات اجتماعی مؤثر دانست، عبارتند از:

- ۱- بحث‌هایی که صدرالمآلهین در حوزه معرفت‌شناسی ارائه کرده است.
- ۲- مباحث ملاصدرا در هر صده انسان‌شناسی و تمیز فلسفه صدرایی در انسان‌شناسی یا نقدشناسی فلسفی است.
- ۳- مباحث هستی‌شناسی صدرالمآلهین، مباحث اصالت و وجود تشکیک در وجود استناد در وجود و در این زمینه راهگشا بوده و فلسفه ما را از بن‌بست خارج کرده است.

## رسال جامع علوم انسانی

### مسائل امروز

یحیی‌اشرفی

برای زندگی امروز ما نمی‌توانیم از حکمت منطقیه، فلسفه سیاسی بیرون آوریم. البته این نکته را نباید فراموش کرد که می‌توان از هر بحثی در اندیشه فیلسوفان گذشته، مطالب سیاسی در آورد. از آثار فارابی تا گلستان و بوستان سعدی در بیشتر آثار قدما بحث‌های سیاسی یا مرتبط به سیاست موجود است. اما همه اینها صرفاً کلیاتی در بحث سیاست هستند مانند عادل بودن پادشاه، درستکار بودن حاکم و... اما اینها پاسخگوئی مشکلات امروز ما نیستند و در بیشتر موارد ارتباطی به مباحث سیاسی امروز ما ندارند. یک مثال می‌زنم تا موضوع روشن شود. مادر آثار گذشتگان خود بحث‌های



## یک فصل کوچک

مصطفی محقق داماد

این موضوع ۲ سال پیش هم مطرح شده بود آن زمان من در مراسم روز ملاصدرا که توسط بنیاد حکمت صدرا برگزار شده بود سخنرانی خود را با این موضوع ارائه کردم که فکر می‌کنم در نشریه خردنامه صدرا هم منتشر شده باشد.

خلاصه بحث من آنجا این بود که ملاصدرا به نحوی مشخص بلی را به سیاست بدون اختصاص نداد، با وجود اینکه موضوعی فلسفی است اما او در کتاب «شواهد الربوبیه» که من آن را تصحیح کرده‌ام، فصلی به نام «ویژگی‌های رئیس اول» دارد در حقیقت بحث این فصل در باره ویژگی‌های کسی است که رئیس می‌شود. ملاصدرا در اینجا می‌گوید که یک رئیس باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و ویژگی‌هایی که او برمی‌شمرد مختص به امام معصوم نیست که ما آن را تنوری عصمت بنامیم اما به هر حال ملاصدرا فیلسوفی شیعه است و از مهم‌ترین ویژگی‌های او هم همین شیعه بودن است یا توجه به این نکته، ملاصدرا در آن فصل کتاب ویژگی‌های رئیسی را مطرح می‌کند که در واقع صرفاً اختصاص به امام معصوم ندارد از نظر ملاصدرا ویژگی‌هایی که ذکر شد باید شامل هر آن کسی باشد که بر مسند ریاست جلیقه تکیه زده است. این ویژگی‌ها سلوکی، عرفانی، اخلاقی و... هستند و در کنار آنها، ویژگی‌های علمی هم وجود دارد از دیدگاه ملاصدرا کسی که بر مسند قدرت است باید متخصص به احکام شرعی نیز باشد.

حال اگر برای این آدم ولایت قسمی قائل شوند، دیگر از دیدگاه ملاصدرا استفاده نمی‌کنند. ایشان در بحث خود این ویژگی‌ها را به شکلی برای هر کسی که می‌خواهد به مسند قدرت تکیه بزند، بیان کرده است اما دیگر از انتخاب یا انتخاب آن حرفی نمی‌زند. این سبنا در «شفا» بحث دموکراسی را مطرح می‌کند و درباره آن توضیح می‌دهد اما ملاصدرا جز بر شمردن این ویژگی‌ها توضیح بیشتری نمی‌دهد.

## امتناع متعالیه



داود فیروزی

در فاصله خواجه نصیر طوسی تا برآمدن صدرالدین شیرازی که اجتهاد شیعی به ضرورت ساخت قدرت در ایران تثبیت شده بود فلسفه اسلامی هم با صراحت بیشتری در باره جایگاه مجتهدان در زندگی مدنی سخن گفت ملاصدرا که مبراهن دگر منظومه مبتنی بر جمع میان فلسفه نبوت، سیاست و شریعت بوده آسین‌های از آرای فارابی و ابن سینا را برای توضیح اجتهاد شیعی فراهم کرده و به تفسیر روابط قدرت و اندیشه سیاسی شیعه در زمان خود پرداخته‌وی مشهد پنجم از «شواهد الربوبیه»



راه بحث در نبوت و ولایات اختصاص داده و با طرح رابطه شریعت و سیاست به توضیح جایگاه مجتهدان در زندگی سیاسی می‌پردازد. صدرالمجاهدین در بخش اعظم مباحث خود در باره سیاست از تکرار و تجدد سنت فارابی و ابن سینا فراتر نمی‌رود. وی برای فارابی و ابن سینا «اهل المدینه الفاضله» و در خصوص صفات موازده گننه رئیس اول برمی‌شمارد و آنگاه به اقتدای ابن سینا و در قالب «الهیات شفا» به توضیح ضرورت وجود نبی و شریعت در زندگی سیاسی می‌پردازد. ملاصدرا چنین می‌اندیشد که عقل به تنهایی و مادام که منور به نور شریعت نباشد قادر نیست به در چاهی از مسائل متعلق به الهیات و حقایق مربوط به آفرینش و قیامت دست یابد. بدین مناسبت فلسفه اسلامی ابزار عقلی مهمی برای بحث کلامی در ضرورت وجود مجتهدان فراهم کرد و به پذیرفته شدن مجتهدان به عنوان تنها رهبران باقی‌مانده برای امت و تنها احکامان «فاتح» در جامعه اسلامی کمک کرد. حکمت متعالیه آنگاه که فیلسوف مسلمان را از تحلیل انتقادی در روش‌شناسی و به طور کلی «فراپند اجتهاد» منع می‌کند، در واقع امکان فلسفیدن از نوع «فلسفه تحلیلی» را هم تباه می‌کند. به این ترتیب با ایجاد گسست کامل بین فلسفه و سیاست هر گونه صلاحیت و ابزار ارزیابی فیلسوفانه از زندگی سیاسی را - اعم از تأسیس قواعد سیاست یا ارزیابی فلسفی چنان دانشی که مسروبت تولید احکام سیاسی راه عهده دگر - از بین می‌برد.

## اندیشه اقتدار

سید صادق حقیقت

اندیشه سیاسی صدر از نوآوری و اهمیت خاصی برخوردار نیست صدر از «حکمت سیاسی متعالیه» بحثی به میان نیاورده ولی اگر ما بخواهیم چنین نظریه‌ای را بازسازی کنیم، لازم است بر نظریه استسکان کامل تمرکز کنیم. شاید در صورت بازسازی چنین



نظریه‌ای، باز نتوان تفاوت‌های چندانی بین آن با دیگر نظریه‌های فلسفه سیاسی اسلامی مشاهده کرد در صورت اذعان به فلسفه سیاسی صدرالمجاهدین، باید داشت که اندیشه سیاسی صدر اقتدار گرایانه است بدون شک مراد از اقتدار گرای، نظام سیاسی متعالیه نیست بلکه منظور نظامی هر می‌است که در آن توزیع قدرت از بالا به پایین صورت می‌گیرد. بنابراین کثیر بر اصطلاح «بردمسلازی» در خصوص اندیشه سیاسی وی جایگاهی ندارد و از جمله مصداق تحمیل مفاهیم مدرن بر اندیشه سنتی تلقی می‌شود. پس اندیشه سیاسی صدر اهماقند دیگر متفکران اسلامی

سنتی همگرا نیک، فلسفه نمی شود در مجموع می توان گفت چیزی به نام فلسفه سیاسی متعالیه وجود بالفعل ندارد. تاسیس چنین فلسفه سیاسی ای هم منوط به چند شرط است. جمله متمایز بودن تمدن سیاسی اندیشه صدرا از دیگران است. چون اندیشه سیاسی صدرا اقتدار گرایانه است نه متغلیقه. نمی توان ندیشه او را در مسائل از نه خواند از ندیشه سیاسی وی. ضرورت تشکیل نظام سیاسی فقیهانه استنتاج نمی شود از مهم بودن تکامل انسان و بالرش بودن غایات جامعه انسانی هم نوع خاص بود جنویسی و مانند آن برداشت نمی شود. از ضمیمه کردن مفدمات فلسفی صدرا بی به مسائل سیاسی نتیجه چندان جدیدی حاصل نمی شود و از وی ندارد که از هم مستنجم باشند.

جامعه ای متعالی خواهیم داشت در حالی که واقعیت به گونه دیگری است و ما در حقیقت هنوز هیچ گامی در این زمینه برنداشته ایم. ما باید به مبانی و ریشه های تفکر اسلامی که در واقع همان سنت اسلامی ملست بر فخر بیندیشیم.

## سیاست و فلسفه

عبدالحسین خسرو پناه

هنگامی که فلسفه ملاصدرا را با فلسفه سیاسی با فلسفه



سیاست مقایسه می کنیم. مقصود جامعه امر سیاست است نه فلسفه علم. سیاست ملاصدرا در مقام توصیف امور تحقق یافته در عرصه فلسفه سیاست چند گام اساسی برداشته و مانند دیگر فیلسوفان حکمت را به بخش نظری و عملی تقسیم کرده است. گام دوم

حرکت در بعد تخصصی و مسائل مهم فلسفی بوده است. گام سوم اینکه ملاصدرا تصریح کرده که همه مباحث وی در الهیات است. مگر ما سیاست را خارج از الهیات می گیریم؟ پس سیاست ما از مسائل دینی ما چنانست که نتوانیم در مباحث الهیات از آن گفت و گو کنیم؟ و بر فرض که ملاصدرا این گونه گفته باشد آیا فلسفه متعالیه و دستگاه فلسفی متعالیه دارای این ظرفیت و توان نیست که در حوزه سیاسی نیز با ما سخن بگوید و ظرفیت هایش را آشکار کند؟ ملاصدرا مباحث سیاسی خود را نیز با رویکرد الهیاتی مطرح کرده اما این همه در صدد تاسیس دانش سیاسی و حتی فلسفه سیاسی بوده است. اگر مجموعه گزاره های متفرقه سیاسی ملاصدرا را در قالب الهیاتی برآوریم، کیسه به صورت کاملاً انسجام یافته در پارادایم او می گنجد و ایشان این بحث ها را برای استفاده در رفتار سیاسی و یا رویکردی الهیاتی مطرح کرده است. با توجه به اینکه علوم سیاسی مجموعه ای از دروس و رشته های سیاسی است. حیطی در این زمینه صورت گرفته و رشته علوم سیاسی مجموعه ای از رشته های سیاسی فرض شده و با توجه به تعریفی که از هر کلمه ارائه شده ملاصدرا افتاد آن تصور می شود. با این همه ادعا می کنند که ملاصدرا دارای نظریه های سیاسی است. ما من به تناقضاتی که در این ادعاها نهفته است نمی بر داریم و اصحاب دانش و معرفت خود به این مباحث توجه دارند. از مباحث استنباط و نیز کتاب دکتر پخیر به در تعریف اصطلاحات و نمایرات آنها این چنین استفاده شود. که ملاصدرا دارای نظریه های سیاسی در عرصه فلسفه سیاست است. اما اگر مجموعه مباحث سیاسی او را جمع آوری کنیم، نمی توانیم یک فلسفه سیاسی منبذین و تحقق یافته با عنوان حکمت سیاسی متعالیه از آن استخراج کنیم.

## فهم واژه ها

غلامحسین ابراهیمی دینانی



اینکه پرسیدید آیا می توان از حکمت متعالیه، فلسفه سیاسی بیرون آورد، بله قطعاً. امروزه دیگر سیاست در همه اشکال زندگی ما سرایت کرده و تعدادی ساحت حکمت و اندیشه هم به همین ترتیب است. می وارد محتوای تفکر ملاصدرا نمی شوم چون آن فریابی است که شناخت گوهر و گنجینه های آن سال ها زمان می برد. اما برای اینکه پاسخی به پرسش شما داده باشم، فقط به همین عنوان «متعالیه» در فلسفه اشاره می کنم که چه بسا مفاهیم و ایده های متعددی را می توان از آن بیرون کشید. واژه متعالیه به چه معناست؟ فلغ از معانی فلسفی و تخصصی ای که بر آن بار شده، یک معنای اولیه و ساده دارد که در عین سادگی، تمام فلسفه ملاصدرا در آن نهفته است. متعالی یعنی رو به بالا دانستن، یعنی به فراسوی خویش نظر داشتن. این رو به بالا دانستن و بالا رفتن ناچه حد و چه مرزهای است؟ بر اساس نظر مبنایی ملاصدرا که حرکت جوهری است این حرکت که حتی در جوهر و ذات اشیا هم جریان و سرریز دارد، حرکتی رو به تعالی است. حالا اینکه نهایت این حرکت به کجا می رسد و حدیقف این کجاست، بستد اما اگر در همین حرکت رو به بالا دست کنیم، می توانیم بر توی از سیاست را در اندیشه ملاصدرا ببینیم. اساساً مباحث حکمت متعالیه در حوزه حکمت عملی، جبر و اختیار و تاکید آن بر اختیار انسان، همه جلوه های از ظرفیت های سیاسی حکمت متعالیه است. همین تاکید بر اختیار انسانی و جایگاه مهم حکمت عملی تبصرت زمامداری در حرکت های اجتماعی و سیاسی امروز ما دارد. اما ما بیشتر عادت داریم با الفاظ بازی کنیم و درگیر کلمات شویم اما هنوز مباحث عمیق فلسفه اسلامی و به ویژه حکمت متعالیه را کار بردی نکرده و به آنها نقشی اساسی در بازسازی دنیای جدید ندادیم. اگر تفکر سیاسی حکمت متعالیه کار بردی شده و نتایج حاصل از آن در جامعه جاری و ساری شود.